

مناجات حضرت امیرؑ

بخط جناب اشرف

قوام السلطنہ

مہماہ ۱۳۲۶

چاپ تہان

ای جناب اشرف، آقای قوام السلطنه

ابنای علم و دانش استونی استوار

نسخه ای مرغوب و زیبا از مناجات علی

ماده است از کلمات مشکینت بگیتی یادگار

یادگاری از جمندست آن، که نام نیک مر

گر بماند به کز او ماند سرای زرنگار

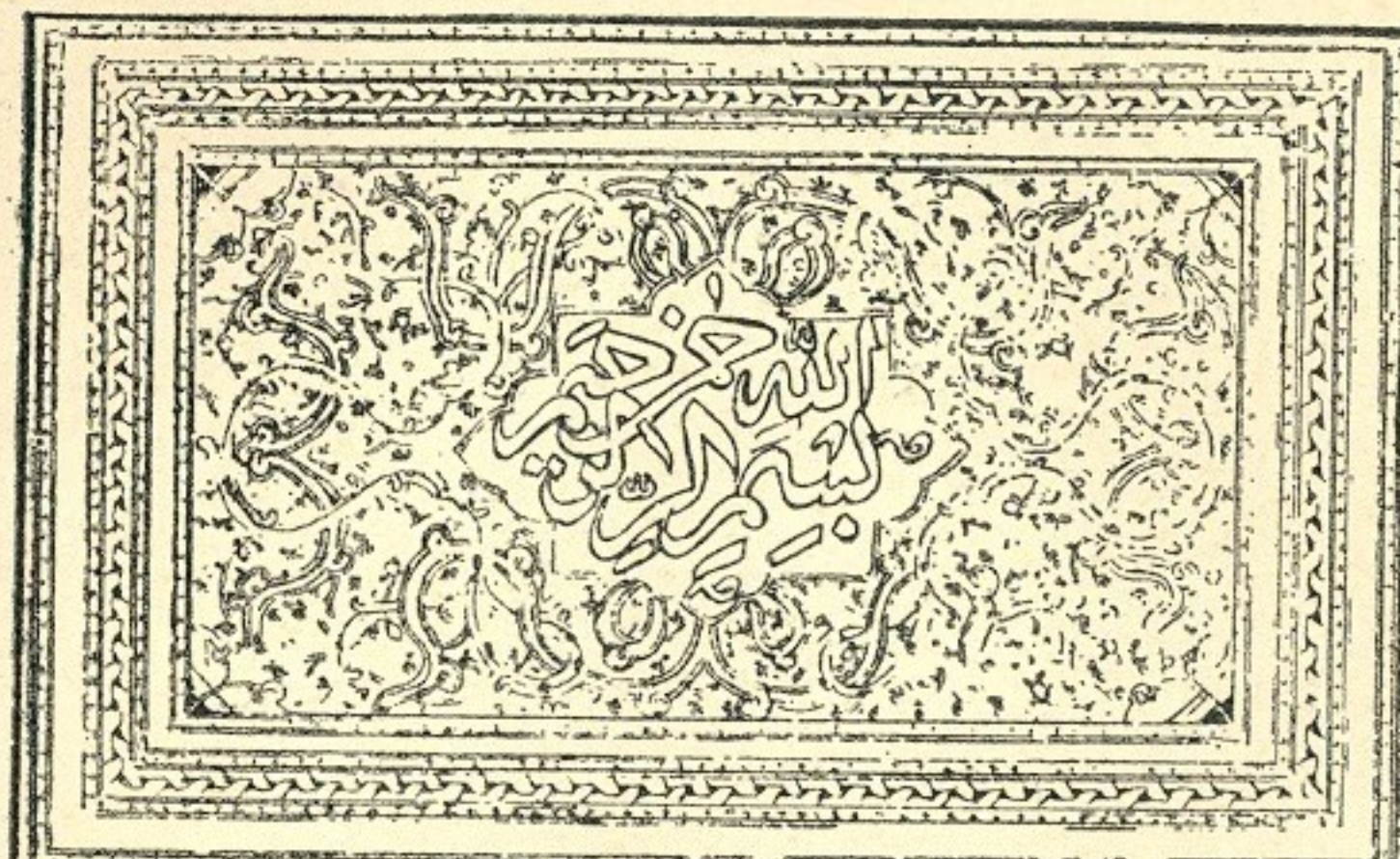
مسکت ابایست سود و عود را بایست نحت

گرجا جازت میدی این نسخه یاد اتمسار

حبیب فیاضی

بشهادت جانب آثار حبیب بنیاد راجع به شرفیات حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصلوٰۃ و السلام بر فضیلت مرقوم

کلمه افتخار ۱۴۱۱ بان ۱۳۲۵ هجری قمری



اكتب الحمد يا ذا الجود والمجد والعلی

متر استایشان بخدا و بخش و بزرگی و بخت قدری

تبارکت تعالی من شمس و قمر

بزرگی ترا شمس است که جنبی هر که را خواهی و بازستانی از هر که خواهی

الهی لمن جلبت و حبب حسی

خدا ای من اگر بزرگ شد و بسیار گشت بر من

فصوكت عن ذی اهل وادع

پس بزرگی و بخت و عفو تو از من و من پشیمانی

الهی خلّاقی و حسری و موملی

خدا ای من آفریننده من و پیاده من و بازگشت من

الیک لکمی الاعسار و البسر افرع

بوی دور و دوری و آسانی چه کنم

الهی لمن اعطیت نفسی سولما

خدا ای من اگر در خواستی نفس خود را بدی

فما انا فی روض الدائم ارفع

پس اینک منم که در عین ازل برای تویی میپرسم

الهی رتی حالی و فترتی و فاقی

خدا ای من می نمی حال مرا و فترت و حاجتم می مرا

وانت مناجاتی الخفیة سمع

و تو را راز من شنیدی

و تو را راز من شنیدی

اللهم فلا تقطع رجائي ولا تمنع

خداي من ان يقطع من اميد مروءه وكره ان قلب مرا

فوادي فلي في سبب جودك مطيع

فريکه من ديارن بخش تو طبع دلام

الهم لي من خستني او طردتني

خداي من اگر ناپسند کردی یا برانی مرا درگاه خود

فذل الذي ارجو من ذل الشئ

برکیت آنکه بوی میدوار باشم یا دوی را در تو شرم

الهي اجزني من عذابك اني

خداي من رها کرده مرا از عذاب خود بدستی که من

اسير ذليل خائف لك اخضع

گرفتارم خوارم ترسکارم مرا تو را بشود و من می کنم

الهي واسئلي سلتين محبتي

خداي من اسئله مرا باینکه پا موزی بر حجت مرا

اذا كان لي في القبر مشي ومضي

در آنوقت که مرا در قبر مکان بر جانستن و خضن باشد

الهم لي من عذبتني الف حجة

خداي من اگر مرا عذاب کنی هزار سال

فجبل رجائي منك لا يقطع

پس در میان امید من از تو بریده نمی شود

الهي اذني طعم عذوبك يوم لا

خداي من بچشان بن طعم آمرزش خود را روزی که

يكون لئال هناك يصنع

وقتی که در آن و آنجا مال برآوردند

اللّٰهُ لَنْ تَطْلُبَ فِي طَلَبِ الْبَقِيَّةِ

خدا ای من اگر تقصیر کردم در طلب برهیزگار

فَمَا لَنَا شَرًّا لِّمَا نَقْصُو وَاتَّبَعِ

پس ما که در تقصیر و پیروی می‌کنیم

اللّٰهُ لَنْ تَنْسَاكَ رَوْحًا وَرَحْمَةً

خدا ای من برسان مرا از خود آسودگی و رحمتی

فَلَسْتَ سَوَاءَ الْوَالِدِ فَضْلًا مِّمَّنْ

پس تو هم کسی که به درهای فضل تو دمی دیگر بگویم

اللّٰهُ لَنْ تَنْبَغِي الطُّوْدَ وَاعْلَمْتَ

خدا ای من گناهان من غالب آمد بر کوه و برتری گرفتاری

وَصَفَحْتَ عَنِ ذَنْبِي اِجْلًا وَارْفَعِ

و در گذشتن تو از گناه من بزرگواری و بلند گردانی

اللّٰهُ اِذَا لَمْ تَعْفَ عَنِ عَيْبِ مُحَمَّدٍ

خدا ای من وقتی که تو عفو نمی‌کنی از عیبه و نیکوکار

فَمَنْ لَمْ يَنْبَغِ بِالْهَوَىٰ مِمَّنْ

کسی که عفو نشده مرید گرداری اگر بهوای نفس متعبد

اللّٰهُ اِذَا لَمْ تَرْعَىٰ كُنْتَ ضَالًّا

خدا ای من چون رعایت نمی‌کنی پس ضایع شده‌ام

وَإِنْ كُنْتَ تَرْعَانِي فَلَسْتَ بِمَنْ

و اگر مرا رعایت کنی مرا پس ضایع نیستی

اللّٰهُ لَنْ اُحْطَا بِجَلَالِ قُدْرَتِكَ

خدا ای من اگر خطا کردم من نسبت نادانی بسیار

رَجَوْتُكَ حَتَّى قَاتَلَ بَوَّاحُ جَمْعٍ

امید داشتم بوی تو تا آنکه گفتند او جمع را کشت

اللهم نحي ذكر طوك كذا لو عني

شده ای من دور میکند یاد کردن تو سرش را

وذكر الخطايا العین من يدع

و یاد آوردن گناهان چشم من را

اللهم اقل عشتري و ارحم حبي

شده ای من دشمن من و مهربانتر مرا

فاني مفرح خائف متضرع

چون بستی من افراتر کشنده و ترساکه و زاری کننده

اللهم اصبني من اهل الجنة

شده ای من اهل دوزخ گردانی یا عذاب زنی

فاحسبني يا رب ام كيف اصنع

پس حسابت چاره من ای پروردگار من یا چه کنم من

اللهم علفا بحب البس سائر

شده ای من هم سوختن دوستی شب سید ابراست

يا حي و يدعو و انفس يح

فریاد می کند و بخواند و غافل گردانید و شد و خواند

اللهم مني رجائي سلاحة

شده ای من استیلا می کند و آری من سلامتی را

و قح خطيائي على من

دشمنی گناهان بر من استیلا

و كلم بر حوث اكلت راحيا

و آدمیان از روی کشند و آب ترا در حالتی که امید دارم

الرحمات العظمى و في الخلد طمع

در رحمت ترا که بزرگتر است و در بهشت جاودانی طمع من

اللهم فان عفو عنك مستغفر

خدا ای من اگر عفو کنی مرا پس عفو تو را بانی دهنده است

والا فإله الله مرصرع

و اگر پیش بجای نیاک کشنده دهنده است می

اللهم بحق الهاشمی و آل

خدا ای من بحق پیغمبر هاشمی و آل او

و حرمة ابرار هم که خضع

و بجزست بیکو کارانی که مر نور و سرتی کنند

اللهم فاشرفنی علی دین حمید

خدا ای من پس بر بختی مرا بر دین حمید

مستألفا فاننا کما اضع

انماست کشنده بر هر کار زاری کشنده که مر شوخ